



# بگوسیب!

نگاهی به حاشیه‌های جشنواره فیلم رشد

راستش را بخواهید، ما خودمان را کشیم تا یک عکس غیر جدی و غیرپرسنلی و غیررسمی از بچه‌ها ثبت کنیم. حتی به جای رسیدیم که می‌خواستیم قلفکشان بدهیم تا شاید یک لحظه دندان‌هایشان را موقع خنده ببینیم و عکسشان را بگیریم؛ اما دریغ از یک لبخند! ولی تا دلشان بخوابد نگاه‌های رو به افق و دست‌های ستون شده زیر چانه داشتیم و چشم‌هایی که پر بودند از این حرف که: «بابا قراره عکس به کارگردان بزرگو تو مجله‌تون چاپ کنی؛ به عکس هنری درست و درمون بگیر از ما». همه می‌خواستند بزرگ‌تر از آن چیزی که هستیم، می‌شد شنید که نه دلشان می‌گویند: «یکم ما را می‌دیدند، جلوت به کارگردان وایساده!» حتی سنگین باش عکاس، چندتایشان را بخندانشان آمدند وقتی که توانستیم چندتایشان را بخندانشان رو به بالای سرمان و مجبورمان کردند عکس‌های خندانشان را بگیریم. ما که درش نگاهشان رو به افق‌های دور دست است، نگاه‌داریم. ما که حریفشان نشدیم، ولی مطمئنیم در افق حتماً چیزی منتظرشان است؛ قطعاً یک اتفاق خوب. چشمانشان برق می‌زند.



شاهد باشین نوی جشنواره تغذیه هم می‌دادندا



همه چیز از اینجا شروع شد!

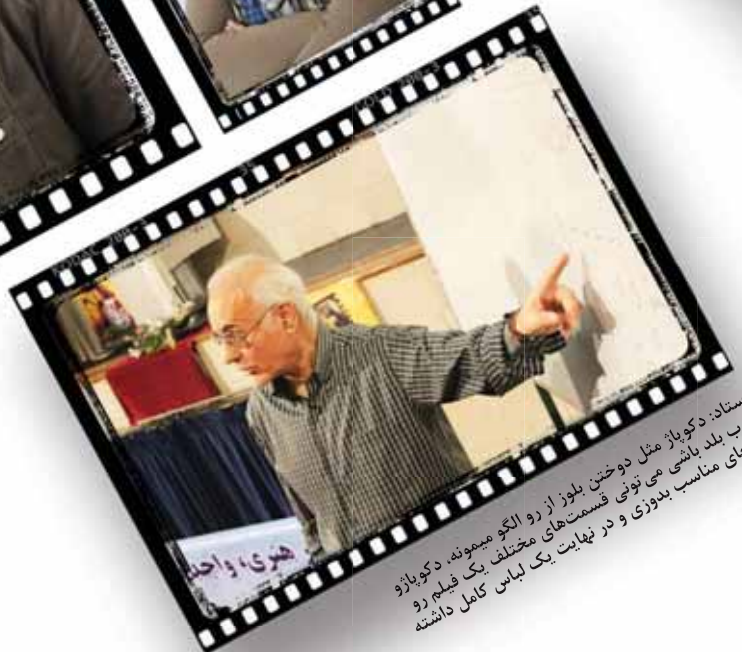
استاد: ای بابا چقدر سوال می‌پرسن!



تیموجین لاجزاده



اسکار «اصالت» تقدیم شد به منصور یار از زاهدان. زیبا او تنها کسی بود که با لباس زیبای محلی در جشنواره حضور پیدا کرد.



استاد: دکویاز مثل دوختن بلوز از رو الگو میمونه، دکویازو خوب بلد باشی می تونی قسمت‌های مختلف یک فیلم رو در جای مناسب بدوزی و در نهایت یک لباس کامل داشته باشی.

## انجمن اسکاری‌ها!

مهدی ولی‌زاده

اگر از نسل قبل این سؤال را می‌پرسیدیم، شک نکنید که چند دقیقه‌ای توی صورتمان نگاه می‌کردند و بعد سرشان را می‌خاراندند و بعد هم اطراف را نگاه می‌کردند تا مطمئن شوند مخاطب سؤالمان کس دیگری نبوده باشد و آخر سر هم ازمان سؤال می‌کردند: «با من بودی؟! داری مسخره می‌کنی?!».

ولی این نسل فرق دارد. بین این سؤال ما که «فکر می‌کنی اگه فیلمت می‌رفت اسکار و اونجا پخش می‌شد، جمعیت توی سالن برات دست می‌زدند یا نه؟» و جواب آن‌ها که «آره، حتماً، شک نکن!» چند ثانیه که چه عرض کنم، چند صدم ثانیه هم فاصله نیفتاد. حالا کاری نداریم که شاید می‌خواستند خودشان را با اعتمادبه‌نفس نشان بدهند، اما همین که اعتمادبه‌نفسشان را نشان دادند و ما چاپش کردیم، شاید آن‌ها را در رودربایستی بچه محل‌ها و اهل فامیل بگذارد و آخر سر هم به اسکار برسند.

می‌دانید؟ راستش این سؤال برای ما خیلی عجیب نبود، اما سؤال بعدی چرا! وقتی از آن‌ها پرسیدیم کتاب می‌خوانند یا نه، باز هم به همان سرعت گفتند: «آره حتماً، شک نکن!» باور می‌کنید؟ هنوز هم در دنیا دهه هفتادی‌هایی هستند که بدون شک کتاب می‌خوانند!

سؤال جذاب بعدی و در واقع جواب جذاب بعدی بچه‌ها در پاسخ به این سؤال که: «اگه می‌تونستی سه فیلم از فیلم‌های رقیبت را که از کار تو بهتر بودند، حذف کنی، این کارو می‌کردی یا نه؟!» صادقانه بگویم ما به آن‌ها خیلی امیدوار شدیم، وقتی که باز هم بدون مکث گفتند: «آره حتماً، شک نکن!» و نام فیلم‌های بهتر از خودشان را بردند. این یعنی با کسی رو دربایستی ندارند. این یعنی می‌پذیرند که جا برای بیشتر کار کردن هست و اعلام می‌کنند که اگر قرار باشد فقط یک روز دیگر وقت داشته باشند، از آموخته‌های کارگاه آموزشی (ورکشاپ) و فیلم‌هایی که دیده‌اند و حتی از خود این جشنواره، می‌توانند فیلم‌ها و مستندها و انیمیشن‌های قوی‌تری بسازند.

پاسخ‌هایشان صریح بود و تکلیفشان روشن. آن‌ها آمده بودند کارگردان شوند و می‌دانستند که تازه اول راه هستند. ما به آینده‌منصور، عسل و نیلوفر امیدواریم و امیدواریم آن‌ها هم همیشه هیجان و نشاط این روزهایشان را حفظ کنند.



## یک فیلم خانوادگی

مهدی ولی‌زاده-زهره صنعتگران  
خانم مرضیه کاظمیان، دبیر فیزیک  
معتقدند: «آدم باید تمام جنبه‌های  
ذهنش را با تجربه‌های جدید رشد  
دهد» و می‌گویند به همین دلیل  
است که در جشنواره شرکت کرده‌اند.  
آمده‌اند تا با دخترشان تجربه‌ای جدید  
داشته باشند؛ تجربه فیلم‌سازی.  
از ایشان می‌پرسم:

■ خانم کاظمیان، این اولین بار است که در جشنواره شرکت می‌کنید؟

بله تجربه اول ماست. من به‌عنوان تهیه‌کننده در بخش فرهنگیان شرکت کرده‌ام و دخترم هم کارگردان کار هستند.

■ رشته تحصیلی دختر شما گرافیک است. چرا با رشته هنری مخالفت نکردید و او را به تحصیل مثلاً در رشته ریاضی وادار نکردید؟

وقتی می‌دیدم به هنر علاقه‌مند شده و از آن مهم‌تر، در این زمینه استعداد دارد، دلیلی برای مخالفت نداشتم. راستش من اگر قرار باشد الان یک جوجه بکشم، همان جوجه ۴۰ سال پیش را می‌کشم. ولی دخترم این‌طور نیست. وقتی می‌بینم با یک حرکت دست نقاشی‌های بهتر و متفاوت‌تری خلق می‌کند، لذت می‌برم و قطعاً حمایتش می‌کنم.

■ موضوع فیلمتان چیست؟

نامش را گذاشته‌ایم روباه و خروس. یکی از بخش‌های جشنواره به فیلم‌هایی با نگاه به کتاب درسی (در قسمت فرهنگیان)، اختصاص دارد. خودتان که می‌دانید، کش‌مکش میان روباه و خروس همیشه پای ثابت کتاب‌های درسی است! آقای بهمن پگاه‌راه، نویسنده کودک و



## کمی پیش از داوری

**وحید گلستان،** مدرس دانشگاه و کارشناس فیلم آموزشی واز همکاران دفتر تکنولوژی آموزشی است، چند سالی می‌شود که به‌عنوان داور در «جشنواره بین‌المللی فیلم‌های آموزشی رشد» حضور پیدا می‌کند. ما در این مصاحبه کوشیده‌ایم با پیشنهادات ایشان برای نسل جدید فیلم‌ساز بیشتر آشنا شویم.

### ■ آقای گلستان، ارزیابی شما از سطح دانش آموزان چیست؟

من فکر می‌کنم دانش آموزان به‌شدت و در مسیری روشن رو به جلو هستند. این پیشرفت یکی به‌علت در دسترس قرار گرفتن سخت‌افزار و دیگری به‌دلیل به راحتی به اشتراک گذاشتن تولیدات آن‌هاست. در واقع این روزها می‌شود با یک تلفن همراه و لپ‌تاپ و هزینه خیلی پایین‌تر، یک استودیوی خانگی داشت. همین رشد کمی تولیدات به تدریج باعث رشد کیفی نیز خواهد شد.

### ■ به نظر شما ایراد اصلی کار بچه‌ها بیشتر در کجاست؟

شتاب‌زدگی و در پس شتاب‌زدگی، شعار زدگی حتی! ما دو نوع فیلم آموزشی داریم: آموزش مستقیم و آموزش غیرمستقیم. در آموزش غیرمستقیم بیننده خودش به این نتیجه می‌رسد که عملی خوب است یا بد. اما زمانی که کارگردان در رساندن پیامش ناتوان باشد، مستقیم و به صراحت حرفی را می‌زند که برای بیننده قابل باور نیست؛ چرا که تفاوت فاحشی با تجربه‌های شخصی‌اش دارد. و اما چرا گفتیم شتاب‌زدگی؟ متأسفانه بچه‌ها در بهترین حالت فیلم زیاد می‌بینند. دیدن فیلم قطعاً به مشق نظری کمک خواهد کرد، اما بخش مهم فیلم‌سازی فلسفه و جهان خود فیلم‌ساز باید باشد که از مطالعه زیاد و دیدن‌ها و سفرها و فهمیدن‌ها به‌وجود می‌آید.

### ■ توصیه‌ای برای کسانی که تازه وارد این راه شده‌اند و شاید هنوز ایده مستقلی نداشته باشند، دارید؟

باید به اصالت ذهن خودمان نزدیک‌تر باشیم. راه این نزدیک شدن ساخت هر چه بیشتر فیلم‌های مستند است. رسیدن به فانتزی و ایده‌آلیسم شناخت و گذشتن از رئالیسم است. ما می‌بینیم که هر ساله در همین جشنواره چند فیلم مستند وجود دارند که تنه به فیلم‌های بزرگ‌سال ما می‌زنند حتی!

### ■ بین کارهای ارائه شده، کاری هم وجود داشت که شخصاً دوست داشته باشید بسازیدش؟

بله، مستند «نان محلی» ایده خوبی بود و جای کار خیلی بیشتری داشت.

### ■ در پایان برای بهتر شدن عملکرد جشنواره و همین‌طور خود دانش‌آموزان پیشنهاد خاصی ندارید؟

درباره جشنواره فکر می‌کنم باید نوعی ارتباط عرضی بین قسمت‌های متفاوت کودک و نوجوان، فرهنگیان و بزرگ‌سال باشد. البته داشتیم دانش‌آموزان برگزیده‌ای که در سال‌های بعد به‌عنوان داور انتخاب می‌شدند، اما اگر بر فرض جشنواره دانشجویی هم برگزار می‌شد، به قطع نشدن ارتباط بین تجربه بیشتر و ایده‌های نو بین بچه‌هایی که تقریباً هم‌سن‌اند و حرف هم را بهتر می‌فهمند، کمک بسیار زیادی می‌کرد. در مورد خود دانش‌آموزان هم، چه کسانی که به فیلم‌سازی نگاه جدی دارند و چه دانش‌آموزان معمولی، اگر سعی کنند برای ارائه تحقیق‌ها و کارهای کلاسی‌شان، به جای قلم و کاغذ که البته این روزها جایش را به کپی و پیست داده است، از یک دوربین استفاده کنند، من قول می‌دهم هم خودش‌ان لذت بیشتری می‌برند و هم به بالا بردن سطح سلیقه و نگاه فیلم‌سازان نوجوان و مخاطبان‌شان کمک قابل ملاحظه‌ای می‌کنند.



نوجوان و همسر خانم کاظمیان نیز به همراه دخترشان در جشنواره حضور داشت. ایشان یکی از پرکارترین نویسندگان داستان کوتاه در کیهان بچه‌ها و همچنین مؤلف کتاب‌های نبرد رئیس‌علی، مثل رود پر خروش و... است.

نظر آقای راد را درباره جشنواره پرسیدیم. وی معتقد است: «جشنواره رشد اگر جشنواره خوبی نبود، ۴۴ دوره ادامه پیدا نمی‌کرد. یکی از نکاتی که این جشنواره دارد، حضور نوجوانانی است با ایده‌های نو. این ایده‌ها حتی می‌توانند به فیلم‌سازان بزرگ‌سال ما و تمام افرادی که در زمینه کودک و نوجوان فعالیت می‌کنند کمک بسیاری کنند. اساس نوشتن تخیل است و تخیل ناب را می‌توان در سن‌های پایین‌تر به راحتی دید. از طرف دیگر، نسل جدید ایده‌های جدید دارند برای مشکلاتی که نسل ما در برطرف کردنشان ناتوان بودند. پس باید از تمام ایده‌های این نسل استفاده کرد.»

ایشان می‌گویند حتی اگر هیچ ایده‌ای هم در کارهای دانش‌آموزان به چشم نخورد، باز وجود جشنواره مایه خیر است؛ چرا که حداقل می‌شود با مشکلات و دغدغه‌های بچه‌ها آشنا شد و در جهت رفع آن‌ها اقدام کرد.

